

نگاهی به جنبش کارگری ایران در دوره اخیر

یداله خسروشاهی

ششم دی ماه هشتاد و پنج

هدف از این نوشته بررسی کوتاهی در مورد کوششهای فعالین جنبش کارگری در مورد ایجاد تشکلات مستقل کارگری طی چند سال اخیر است. در این مورد ابتدا به چگونگی پیدایش نهادهای مختلف کارگری و موقعیت فعلی این نهادها می پردازم، سپس ضمن بررسی مسائل مبرم جنبش کارگری، نظرم را در آن موارد بیان خواهم کرد.

فعالیت های غیر علنی

واقعیت این است که پس از سرکوب خونین سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ و اعدام و زندان و اخراج و تبعید تعداد زیادی از فعالین جنبش کارگری و اعلام غیرقانونی بودن هرگونه تشکل کارگری از طرف رژیم و درموقعیتی که رعب و وحشت بر جامعه حاکم شده بود، از طریق افراد انجمن های اسلامی مراکز کاری، و توسط حزب جمهوری اسلامی، خانه کارگر از دست کارگران خارج و شوراهای اسلامی کار در نبود هرگونه تشکل واقعی کارگری و در غیاب فعالین منتخب کارگران سامان داده شد و افرادی انتصابی بر این تشکلات گذاشته شدند. با پشت سر گذاشتن این دوران فطرت و به خود آمدن فعالین کارگری و بخصوص پس از پایان جنگ و در زمان به اصطلاح بازسازی، آرام آرام اعتراضات کارگری توسط محافل مخفی درون مراکز کاری شروع به شکل گرفتن کرد. گرچه در زمان جنگ و قبل از آن و بخصوص برای تصویب قانون کار اعتراضاتی نیز از طرف این فعالین سازمان داده شده بود.

طی چندین سال کارگران به دلیل پراکندگی، بدون ارتباط با توده کارگران در کمیته های مختلف مخفی بلا دفاع مانده و اسیر تشکلات مافیایی شوراهای اسلامی کار که در خدمت سرکوبگران کارگران قرار داشتند، بودند..

در همین سالها توسط تعدادی از فعالین کارگری نشریاتی علنی در مورد مسائل کارگری در ایران منتشر شد. (۱) که وجود این نشریات و بحث حول مسائل مختلف کارگری و دخالت گری نظری فعالین کارگری حول این مباحث و بخصوص مسئله تشکل یابی کارگران، باعث ایجاد فضایی شد که این فعالین پس از سالها همدیگر را دریابند و حول مسائل مبرم کارگران ایران به بحث و تبادل نظر بپردازند.

در همین مدت فعالین کارگری خارج از کشور ضمن ایجاد تشکلاتی در جهت پشتیبانی و حمایت از مبارزات و خواسته های کارگران ایران با ارسال مطالب مورد نظر و انتشار آنها در نشریات کارگری داخل، در مباحث فعالین جنبش کارگری دخالت کرده و نتیجه چنین مباحثی باعث شد که مسئله ایجاد تشکلات مستقل کارگری به یکی از مسائل نظری روز جنبش کارگری مبدل شود.

فعالیت های علنی

پس از سفر مسئولین سازمان جهانی کار به ایران جهت بررسی تشکلات موجود کارگری قید شده در فصل ششم قانون کار و اختلاف شدید مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار با مسئولین جبهه مشارکت و انشعاب بخشی از خانه کارگر و اعلام دو تشکل وابسته به این جبهه (انجمن صنفی رانندگان برون شهری و روزنامه نگاران)، بخشی از فعالین قدیمی جنبش کارگری که قبلاً در اصناف مختلف فعالیت داشتند طی نامه ای که به وزارت کار نوشتند خواستار اجازه فعالیت جهت ایجاد انجمن های صنفی و سندیکا شدند. که در ادامه این فعالیت ها " هیات موسس سندیکا ها و انجمن های صنفی" اعلام موجودیت علنی کرد. طی همین دوران فعالین کارگری به مناسبت های مختلف از جمله اول ماه مه در سالن های مختلف و جاده چالوس مراسمی برپا کردند و اطلاعیه های مختلفی را منتشر نمودند. در همین موقعیت بخش دیگری از فعالین کارگری تحت نام "انجمن فرهنگی کارگری" ضمن برگزاری جلسات و سمینارهایی حول مسائل مختلف کارگری از جمله تشکلات مستقل کارگری و حزب سیاسی طبقه کارگر بحث هایی را با شرکت تعدادی از فعالین هیات موسس به پیش بردند. که در ادامه، این فعالین نشریه آوای کار را منتشر نمودند.

ابراز وجود علنی فعالین کارگری

مسئله کشتار کارگران خاتون آباد و اعزام یک تیم تحقیق غیر علنی از طرف کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری به ایران و منعکس کردن علنی این خبر از طرف فعالین کارگری خارج از کشور تماس محمود صالحی با مسئول این کنفدراسیون و بازگویی مشکلات و مسائل کارگران ایران با توجه به وضعیت امنیتی شدیدی که برای جلوگیری از تماس فعالین کارگری با این تیم بوجود آمده بود، دستگیری فعالین کارگری سقز بخاطر قصد به راهپیمایی مستقل در اول ماه مه سال ۱۳۸۳ نقطه عطفی بود که مهر خود را بر به میدان آمدن علنی فعالین کارگری، بر حرکت کارگران نشانه گرفت. ایجاد کارزار بسیار وسیع و گسترده در حمایت از این فعالین در داخل و خارج از کشور و حمایت اتحادیه ها و نهادهای کارگری در سراسر جهان باعث شد که رژیم دست به عقب نشینی موقت بزند و این فعالین را از زندان آزاد کند. گرچه به بهانه های مختلف دیگر، هنوز این فعالین در راهرو های بیدگاههای رژیم در رفت و آمد هستند و شمشیر قوه قضائیه هم چنان بر بالای سر آنها در حال چرخش است.

اعلام علنی ایجاد کمیته ها و سندیکای شرکت واحد

در چنین فضایی فعالین انجمن فرهنگی کارگری و آوای کار همگام با تعداد دیگری از فعالین کارگری، " کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلات مستقل و آزاد کارگری" را با امضاء نزدیک به چهار هزار نفر سامان داده و فعالیت خود را در جهت رفع موانع موجود ایجاد تشکلات کارگری در مراکز کاری اعلام نمودند. پس از این حرکت جمع دیگری از فعالین کارگری با جمع آوری چهار هزار امضاء " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" را بوجود آوردند که عمده فعالیت خود را در جهت ایجاد یک اتحادیه ضد سرمایه داری اعلام نمودند.

از طرف دیگر فعالین کارگری شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه که تعدادی از آنها در کمیته پیگیری فعال بودند، طی چند سال با برگزاری کلاس های آموزش تشکل یابی برای احیاء سندیکای خود بدون هیاهو و جنجال فعالیت می کردند. این فعالین طی یک اطلاعیه برگزاری مجمع عمومی احیاء سندیکا را اعلام کرده و روز انتخابات را مشخص نمودند. که همه از پروسه پیشرفت این حرکت با اطلاع هستیم. که البته لازم است سازماندهی این حرکت ارزشمند پس از ۲۵ سال سرکوب جنبش کارگری و در دل خفقان مطلق، مورد بررسی موشکافانه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا درس های آموزنده آن برای کارگران ایران مشخص شود. در همین جا از فرصت استفاده کرده، سالروز اعتصاب بزرگ کارگران شرکت واحد را به تمامی آنها و خانواده، و بخصوص در این مقطع که اسالو از زندان آزاد شده، به سهم خود تبریک می گویم و استقامت فرد فعالین این سندیکا را می ستایم و برایشان در ثبیت تشکل خود و تحقق خواسته هایشان آرزوی موفقیت دارم.

در تداوم این فعالیت ها، انجمن صنفی کارگران فلزکار و الکتریک کرمانشاه، جمعی از کارگران ایران خودرو کمیته های دیگری، با دادن اطلاعیه هایی ابراز وجود کردند. که بخش از این کمیته ها در موقعیت فعلی بنام "اتحاد کمیته های کارگری" بیانیه هایی صادر کرده اند. همزمان با چنین حرکاتی نشریاتی منتشر شد که به مسائل کارگری روی آورده اند. که می توان به نقد نو و راه آینده اشاره داشت.

موقعیت فعلی نهاد های موجود کارگری

هیات موسسان سندیکاها و انجمن های صنفی

این جمع تاکنون ضمن دادن اطلاعیه های متعدد همواره خواهان ایجاد سندیکا یا انجمن صنفی کارگران بوده است که در آخرین اطلاعیه خود از همه فعالین کارگری خواسته که حول این خواست، یک حرکت مشترک را به پیش ببرند. مشکل اصلی و اساسی این جمع بجای تکیه کردن به کارگران چشم امید داشتن به ارگانهای دولتی همچون وزارت کار و دولت است تا اجازه دهند این فعالین تشکل مورد نظر خود را بوجود آورند و در چارچوب سه جانبه گرایی حرکت خویش را به پیش برند. چنین نگرشی باعث شده که این فعالین قدیمی به سمت شوراها و اسلامی بغلطند و در صدد ایجاد یک همگرایی با آنها برآمده و بجای حمایت از کارگران سقز و دادن اطلاعیه در این مورد، با معین پیمان وحدت ببندند و بعضی از آنها امضاء خود را در کنار امضاء عالی جنابانی همچون حجاریان و ... بگذارند. طی اطلاعیه هایی از روزه سیاسی گنجی حمایت کنند و بجای رویکرد به فعالین واقعی جنبش کارگری به بخشی از اپوزیسیون سرمایه داری روی آورده و نجات کارگران و رهایی آنها را از فلاکت کنونی در پیوند با بخش سرمایه داران صنعتی بدانند. این عزیزان و فعالین قدیمی تا زمانی که چنین رویکردی داشته باشند قطعاً نه قادر به ایجاد هیچگونه تشکلی خواهند شد و نه رژیم اجازه ایجاد تشکل به آنها خواهد داد. راه برون رفت این فعالین پشت کردن به جبهه سرمایه و رویکرد علنی به فعالین واقعی جنبش کارگری است. این دوستان بایستی بیاد بیاورند که همین ملی

مذهبی های امضاء کننده تومار حمایت از کارگران، با جنبش دانشجویی چه کردند. در ۱۸ تیر این متحدین دروغین جنبش دانشجویی همانند تمامی مسئولین جمهوری اسلامی و همگام با نیروهای سرکوب عملاً در مقابل حرکت دانشجویان ایستادند و در روز سرنوشت ساز به جبهه اصلی خود، جبهه واحد سرمایه خزیدند. لذا دل خوش کردن به چنین نیروهایی نه آنکه هیچ سودی به کارگران نمی رساند بلکه باعث تضعیف جبهه واحد کارگری شده و عملاً آب به آسیاب دشمن ریختن خواهد بود.

کمیته های خارج از محیط کار

کمیته پیگیری و هماهنگی که در ابتدای اعلام موجودیت، فعالیت خود را ایجاد تشکلات کارگری در مراکز کاری اعلام کرده بودند، به مرور زمان با دور شدن از اهداف اولیه خود به جمعی در خود و بی ارتباط با توده کارگران تبدیل شدند. با توجه به برنامه ای که از طرف این جمع اعلام شده بود این امید می رفت که طی مدتی شاهد شکوفایی چند تشکل در شاخه های مختلف کارگری باشیم. انتظار این بود که از بین هشت هزار امضاء حداقل یکصد نفر از آنها در جهت ایجاد تشکلات مستقل گامهایی بردارند و با تلاش آنها تشکلاتی مستقل ابراز وجود کنند. اما نه آنکه این انتظار پیش نرفت بلکه پس از مدتی با برگزاری مجمع عمومی مشخص شد که اینها سودای دیگری در سر دارند. مشخص شد این جمع در تلاشند که بعنوان یک تشکل خارج از محیط کار برای کارگران و به جای آنها تشکلی اعلام و از کارگران بخواهند که به آنها بپیوندند. برای خود اساسنامه و مرامنامه تدوین کردند و با این دفتر و دستک شروع به دادن اطلاعات بدون پشتوانه کارگری نمودند. چنین برخورد غیر واقع بینانه از یک طرف و حرکت سکتاریستی و فرقه گرایی از طرف دیگر باعث شد که تعدادی از افراد موسس کمیته پیگیری خود را کنار بکشند و شکل دیگری از فعالیت را به پیش ببرند. در وضعیت فعلی فعالین این کمیته به جمعی بدون هیچگونه پشتوانه کارگری مبدل شده که تنها هنرشان دادن اطلاعاتی در مورد مختلف است.

فعالین کمیته هماهنگی گرچه با توجه به دادن اساسنامه و مرامنامه و غیره در صدد این برآمد که خود را بعنوان یک تشکل معرفی کند و بطور واقعی از اهداف اعلام شده خود دور شده بودند، اما فعالین این کمیته در غرب کشور تلاشی را در جهت دست یابی به اهداف اولیه شروع کرده اند که امید می رود قادر شوند با فعالیت های خود مشوق سازماندهی کارگران در محیط های کاری شوند و باعث وحدت بیشتر کارگران گردند.

اتحاد کمیته های کارگری

فعالین کارگری در این کمیته ها گرچه امکان دارد سازمانده حرکت های اعتراضی در بعضی از مراکز کاری باشند. همچون جمعی از کارگران ایرانخودرو، اما نمود بیرونی عملی سازمانیابی کارگران در محیط کار را تاکنون از خود بجا نگذاشته اند. این فعالین در موقعیتی که بخشی از فعالین کارگری جان برکف در میدان مبارزه ایستاده اند، هنوز بر طبل مخفی کاری صرف می کوبند و مشخص نیست نتیجه عملکرد عینی سالها مخفی کاری آنها بجز دادن چند اطلاعاتی چیست. تلفیق کار علنی و غیر علنی، قانونی و فراقانونی یکی از دستاوردهای ارزشمند جنبش کارگری است

که این دوستان بایستی بر چنین ففونی مسلط باشند. اگر پس از گذشت این سالها هنوز این جمع ها صلاح نمی دانند بشکل علنی فعالیت خود را به جز دادن اطلاعیه به پیش ببرند، حداقل فعالیتی که در مراکز کاری خود می توانستند انجام دهند این بود که مشوق سازمانیابی کارگران در مراکز کاری باشند. که متاسفانه نه آنکه نمود چنین فعالیتی از آنها به چشم نمی خورد بلکه اخیراً با دادن اطلاعیه ای در صدد ایجاد "شورای همکاری با هدف با لقهو ایجاد تشکل فراگیر ضد سرمایه داری بین گرایشات رادیکال" برآمده اند و از سندیکای شرکت واحد نیز دعوت کرده اند که به این جمع بپیوندند. اگر معتقدند که سندیکای واحد هم جزء این گرایشات رادیکال هستند، چرا همانند آنها تلاش نمی کنند که تشکل مورد نظر خود را در مراکز کاری سازمان دهند و "واحد" را از واحد بودن برهانند و از فشار کمر شکنی که رژیم بر این فعالین وارد می آورد بکاهند. تا چه زمانی بایستی ما شاهد چنین نگرشهایی باشیم، اینک که تعدادی از فعالین کارگری با نام و نشان در جلو صحنه مبارزه هستند، اینک که اسالوها، صالحی ها، مرادی ها، حسینی ها، حیات غیبی ها، مددی ها، ترابیها و... بجلو صحنه آمده و زندگی خود را صادقانه و خالصانه تقدیم طبقه کارگر کرده اند، دل خوش کردن به دادن اطلاعیه غیر علنی صرف نه آنکه گره ای از مشکلات عدیده کارگران باز نمی کند بلکه انرژی و توان بخشی از کارگران را با چنین شیوه هایی بهدر می دهد. چرا نیابستی تلاش چند ساله این کمیته ها حداقل باعث ایجاد یک تشکل همچون واحد در یکی از مراکز کاری شود؟ آنگاه این کمیته ها انتظار دارند که فعالین واحد هم به آنها بپیوندند و خود را درگیر این سردرگمی آنها کنند.

چه می توان کرد؟

فعالین تشکلات خارج از محیط کار از کمیته پیگیری گرفته تا هماهنگی و اتحاد کمیته های کارگری و دیگران، اگر بطور واقعی بخواهند در زمینه مسائل کارگری ثمربخش باشند و عملکردشان بنفع کارگران باشد، در مرحله اول لازم است که در شیوه نگرش خود نسبت به کارگران تغییر روش دهند. از اینکه بخواهند خود را نماینده و آقا بالاسر کارگران بدانند و به جای آنها و برای آنها تشکل کارگری با هر نام و نشان درست کنند، پرهیز نمایند. در مرحله بعد این فعالین بطور واقعی و ملموس می توانند به دو صورت به کارگران یاری رسانند. در ابتدا به خود رهایی کارگران کمک کرده و مشوق آنها برای ساماندهی خویش باشند. این را جزء دستور کار دائمی خود قرار دهند و برنامه ای عملی برای آن در نظر بگیرند. در کنار این حرکت با تمامی توان تلاش کنند که تمامی فعالین کارگری خارج از محیط کار، دانشجویان، نویسندگان، فعالین جنبش زنان و روشنفکران معتقد به رهایی طبقه کارگر از قید استثمار را حول یک پلتفرم پشتیبانی و حمایتی از مبارزات و خواسته های کارگران متحد کنند. در مقاطع مختلف با جمع آوری امضاء از همین فعالین روی نکات اصلی و گره ای طبقه کارگر هم چون: ایجاد تشکلات مستقل کارگری، تثبیت امنیت شغلی، کاریا پرداخت حقوق بیکاری به تمامی افراد بالای ۱۸ سال، رفع نابرابریهای جنسی در مراکز کاری و جامعه، پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر، لغو کارهای قراردادی و پیمانی، پرداخت به موقع دستمزدها، عدم دخالت نیروهای نظامی در مسائل کارگری، لغو تمامی احکام دادگاه ها بر علیه فعالین کارگری و عدم پیگیری مجدد آنها، آزادی تمامی کارگران زندانی، حمایت از اعتراضات جنبش دانشجویی و اعتراضات

تهیدستان جامعه، منع کار کودکان، داشتن یک نشریه کارگری و ... را در سطح جامعه مطرح نمایند. بجای امضاء گذاشتن پای بیانیه های حمایتی کارگزاران سرمایه، خود بطور جمعی و مستقل بیانیه بدهند و با نام و نشان به میدان مبارزه وارد شوند. آنگاه که در مقاطع مختلف و در هر بیانیه امضاء هزاران نفر از فعالین جنبش کارگری برای تحقق خواست کارگران در سطح ملی انعکاس یابد، در تداوم آن، هم ضربه پذیری فعالین کارگری به حداقل می رسد و هم اینکه اهرم فشاری خواهد شد بر رژیم در جهت تحقق خواسته ها و همچنین روشی خواهد بود برای آشنا کردن کارگران به حقوق خود و متحد کردن آنها برای جلوگیری از هجوم سرمایه داران به دستاوردهای آنان. (۲)

امید این است که تداوم حرکت مستقل فعالین کارگری و نمود بیرونی آن در سطح جامعه به پایگاه جبهه متحد خود رهایی کارگران مبدل شود. این مرکز می تواند در بر گیرنده تمامی فعالین کارگری، فعالین جنبش زنان، معلمین، دانشجویان، نویسندگان، پرستاران و روشنفکران حامی کارگران و اقشار تهیدست جامعه باشد. چنین نیروی متحدی می تواند از طریق دادن اطلاعاتی و بیانیه ها، خواسته ها و نارسائیهای کارگران را در سطح جامعه منعکس نماید و به ارگان واقعی پشتیبانی و حمایت از کارگران در ایران مبدل گردد. فعالین کارگری خارج از محیط کار با تغییر خط ریل نظری و عملی خود قادر خواهد بود در آینده به مرکز ثقل حامیان جنبش کارگری مبدل شده و سنگری مقاوم در مقابل جبهه متحد سرمایه داران بوجود آورند.

در انتها نظرم را در باره چند مورد از مسائل مبرم جنبش کارگری بیان می کنم.

موانع موجود تشکل یابی کارگران

یکی از موانع اساسی و مشکل واقعی کارگران که اجازه نمی دهد آنها به فکر ایجاد تشکلات مورد نظر خود باشند، عدم احساس امنیت شغلی در میان اکثریت قریب به اتفاق آنها است. وجود کارهای قراردادی و پیمانی و خیل عظیم بیکاران آماده به کار از یکطرف و دستمزد ناچیز و بخور و نمیر از طرف دیگر باعث شده که فکر نان شب غبار ضخیمی بوجود آورد که کارگران قادر به دیدن گامی بجلو نباشند. تا زمانی که کارگران احساس نکنند که فردا قادر به ادامه کار و فروش نیروی کار خویش هستند، تا زمانی که میلیونها کارگر پشت درب مراکز کاری منتظر بکارگیری خود از کارفرمایان نشسته اند و تا زمانی که حتا رقابت کاری در محیط برای بقاء در میان کارگران وجود دارد، آنها این فرصت را نخواهند یافت که به مسائل دیگر همچون اتحاد و تشکل فکر کنند و آن را در دستور کار خود قرار دهند. رساندن کارگران به چنین فلاکتی، نیاز واقعی سرمایه داری هار است که نمود مشخص آن را در پیش نویس تغییر قانون کار می توان دید. کار قراردادی، دستمزد پائین، نیروی میلیونی بیکار، ایجاد رقابت در محیط کار، همه ابزارهایی است که با استفاده از نیروی سرکوب قوه نظامی در خدمت سرمایه داران قرار دارد. تا آنها قادر شوند منویات سازمان تجارت جهانی را به پیش برند و به عضویت این سازمان درآیند و با توسل به آنها کارگران را به بردگان بی مزد که حتا تا دو سال دستمزدشان را پرداخت نمی کنند، مبدل نمایند.

قطعاً چنین شرایطی باید تغییر یابد. اما با چه ابزاری؟ آنچه در ابتدا به ذهن همه خطور می کند، وحدت و تشکلات کارگران است. ببینم وضع کارگران برای تشکل یابی چگونه است؟

می دانیم که کارگران مشغول در مراکز کاری کارگاهی، ۹۶ در صدشان در کارگاههای زیر ده نفر و کمتر مشغول کارند که جملگی کارگران قراردادی هستند. که اگر حرف تشکل را بزنند فوراً اخراج می شوند. در صنایع متوسط همچون نساجی ها، صنایع کفش، صنایع الکترونیک، صنعت چینی سازی و... بخاطر قاچاق و ورود بی رویه تولیدات از خارج این صنایع با بحران واقعی روبرو هستند. یا تعطیل شده و یا در حال تعطیل شدن هستند. در صنایع بزرگ ایجاد هرگونه تشکل بر مبنای قانون کار ممنوع می باشد و کارگران اجازه تشکل ندارند. از طرف دیگر در بیشتر این صنایع کارگران بشکل قراردادی مشغول کارند و بر مبنای مصوبه مجلس کارگران قراردادی حتماً از دریافت حقوق بیکاری محروم هستند. چه رسد به ایجاد تشکل. در بعضی از صنایع که کارگران قادر به ایجاد تشکل مورد نظر خود هستند، شورای های اسلامی کار همچون اختاپوس لاشه خود را بر آنها گسترده و از هرگونه حرکتی در جهت تشکل یابی جلوگیری می کنند. مانند کارخانه ایرانخودرو و صنایع نفت که در اولی با تبنای خانه کارگر و وزارت کار، کارخانه را در روز انتخابات تعطیل کردند و در نفت مسئولین خانه کارگر و وزارت کار هر دو مجمع عمومی را منحل شده اعلام نمودند و در این رابطه بیش از ۱۲۰ کارگر نفت را دستگیر کردند.

لذا با توجه به چنین وضعیتی وظیفه فعالین کارگری صد چندان می شود. بایستی در این مورد فکری اساسی کرد تا کارگران را از موقعیت اسفناک کنونی که بخاطر عملکرد چندین ساله این رژیم است نجات داد. لازم است چگونگی سازمان یابی کارگران موقت در کارگاههای کوچک، کارگران بیکار، کارگران شاغل در صنایع بزرگ و.. را مورد بررسی قرار داد و با یک برنامه مشخص به این سمت حرکت کرد. نمی توان نشست و همواره از وجود چنین مشکلاتی سخن گفت و مطلب نوشت. لازم است برای تغییر آن گامهای اساسی نیز برداشت.

توازن قوای درون جامعه

در ابتدا بایستی اذعان داشت که طبقه کارگر ایران از لحاظ سیاسی و رسیدن به ضرورت سازمانیابی گامهای بسیار اساسی به جلو برداشته و از لحاظ نظری بطور عینی در حال اعتلا است.

در هیچ مقطعی فعالین کارگری با پذیرش تمامی خطرهای با اسم و رسم واقعی این چنین در جلو صحنه مبارزه نبوده اند. طرح مسائل کارگری ایران و بعد حمایتهای بین المللی از مبارزات و خواسته های کارگران ایران در تاریخ جنبش کارگری بی سابقه است. سندیکای کارگران واحد به عضویت رسمی کنفدراسیون کارگران حمل و نقل جهانی درآمده است. اخبار کارگری ایران به سرلوحه رسانه های گروهی بین المللی مبدل شده است. ارتباط مستقیم جنبش کارگری و فعالین جلو صحنه آن با نهادهای بین المللی کارگری برقرار شده است. در هیچ دورانی این همه حرکت اعتراضی از جانب کارگران بوقوع نپیوسته و کارگران در صحنه مبارزه علنی با رژیم نبوده اند. اما از طرف دیگر بایستی این واقعیت را نیز پذیرفت که مشخصه فعالیت عینی کارگران، پراکنده، ناهماهنگ، مقطعی، غیر همبسته و متفرق است. پس از این همه سالها هنوز تشکلات مستقل کارگری حتماً در یک بخش آن سازمانیابی نشده است. هنوز

حتا کارگران اتوبوس رانی سایر شهرها از تجربه عینی موجود و حرکت کارگران واحد در تهران استفاده نکرده و در صدد ایجاد فدراسیون کارگران اتوبوس رانی در سطح کشور برنیامده اند.

لذا با توجه به موقعیت کنونی و مقایسه وضعیت معیشتی و رفاهی کارگران نسبت به سال ۶۰ می توان گفت کارگران به تمامی معنا در بعد اقتصادی و اجتماعی در یک حالت دفاعی قرار دارند. دفاع جهت حفظ شغل، جلوگیری از تعطیلی محل کار، پرداخت به موقع دستمزدها، جلوگیری از سرکوب مداوم هر حرکت اعتراضی خود، زندگی زیر خط مرگ تدریجی، دستمزدهای پائین و ناچیز، چند شغله بودن به خاطر مخارج سنگین و ... همه و همه نشانه های حرکت تدافعی کارگران در موقعیت فعلی است. اینکه مثلاً بخشی از کارگران، اول ماه مه را مستقلاً برپا می کنند و یا حرکت باشکوه کارگران شرکت واحد برای احیاء سندیکا و یا فعالیت هایی در این زمینه در غرب کشور از حرکات تهاجمی کارگران است کاملاً حرفی است اصولی، اما این را نمی شود به کل حرکت کارگران در ایران تعمیم داد. حرکت کارگران از اوائل سال ۱۳۵۷ تا حدود سال ۱۳۶۰ را می توان حرکت تهاجمی آنها به حساب آورد. شوراها در بسیاری از مراکز کاری با اختیار کامل حاکم شدند و به کسی جوابگو نبودند. کارگران کارخانه ها در اختیار داشتند و به حریم سرمایه تجاوز کرده بودند، مدیران را خود انتخاب می کردند و در بسیاری از صنایع بزرگ، تولید را بدست گرفته بودند. در آن زمان توازن قوا بنفع کارگران بود که در نهایت رژیم سرنگون شد. اما در موقعیت فعلی حتا ما شاهد خواست افزایش دستمزد بر مبنای تورم واقعی، طرح طبقه بندی مشاغل، انعقاد پیمانهای دسته جمعی و... از طرف کارگران نیستیم. که البته لازمه رسیدن به چنین خواسته هایی وجود یک تشکل مستقل در محیط کار یا در سطح جامعه است. که در این مورد همچنان که اشاره شد بجز شرکت واحد ما شاهد شکوفایی چنین حرکاتی نبوده ایم.

نوع تشکل

موضوع دیگری که همواره مورد بحث و بررسی فعالین کارگری قرار دارد، بحث روی نوع تشکل در مراکز مختلف کاری بوده است. گروهی ایجاد سندیکا و انجمن صنفی را مورد توجه قرار می دهند، جمعی تکیه بر ایجاد شورا می کنند، بخشی دیگر از فعالین کارگری موضوع کمیته های کارخانجات را از اهم فعالیت های خود می دانند و عده ای مسئله ایجاد تشکل ضد سرمایه داری را مورد نظر قرار داده اند. گرچه پشت هر واژه ای مفاهیم مشخصی خوابیده، اما تکیه بر یک نوع تشکل و پافشاری روی آن و همچنین پیچیدن یک نسخه برای کل کارگران ایران، نه اینکه کمکی به بهبود شرایط موجود تشکل یابی کارگران نمی کند، بلکه ضمن آنکه یک درگیری غیر ضروری در میان فعالین کارگری بوجود می آورد، باعث سردرگمی در میان کارگران خواهد شد. بطوریکه آنها برای ایجاد تشکل مورد نظر خود و تصمیم نهایی در این مورد دچار ابهام و گاهی چند دسته گی در محیط کار شده و این به تشکل یابی آنها صدماتی وارد خواهد کرد.

آنچه مورد تایید و تأکید همه فعالین جنبش کارگری است متشکل و متحد شدن کارگران است. مخرج مشترک همه نوشته ها و بحث و گفتگوها این است که کارگران در مراکز کاری و در سطح سراسری خود را متشکل کنند و به

عنوان یک طبقه متحد با استقلال و خودمختاری کامل وارد میدان مبارزه با عاملین رنگارنگ سرمایه شوند. همه معتقد بر این اصل هستند که تشکل بایستی مستقل از دولت، کارفرمایان، نهادهای مختلف سرمایه داران و احزاب مختلف درون جامعه باشد. بدست خود کارگران و به همت آنها در یک مجمع عمومی و یا کنگره کارگری با اساسنامه مشخص مورد تأیید جمع، بوجود آید. همه توافق دارند که این منتخبین فقط تا زمانی نمایندگی کارگران را بعهده دارند که مورد تأیید کارگران بوده و هر زمان که جمع کارگران اراده کنند آنها از این سمت خلع خواهند شد. همه بر این مسئله مهر تأیید می زنند که این تشکل دربر گیرنده تمامی کارگران مستقل از ایده ها و اعتقادات آنها در یک مرکز کاری یک شهر و استان و یا در سطح سراسری می باشد. هیچ ممانعتی برای هیچ کارگری به هر دلیل و بهانه جهت عضو شدن وجود ندارد. این جنبشی است اجتماعی - سیاسی، طبقاتی، توده ای، دموکراتیک، علنی، مطالباتی، مستقل و وحدت گرایانه، که اهم فعالیت خود را جهت رفع مشکلات آنی با چشم انداز نفی استثمار انسان از انسان به پیش می برد. بدون آنکه خود را وابسته به هیچ نهاد سیاسی، ایدئولوژیک یا مذهبی کند، سیاست گریزی را نیز مردود می شمارد. بر این مبنا اشکال سازمان یابی کارگران فی نفسه نمی توانند هدف باشند. بلکه ابزاری است در دست کارگران برای دفاع از منافع بی واسطه و با واسطه خویش.

اگر چنین معیارهایی مورد پذیرش جمع است، چرا مجموعه فعالین کارگری خارج از محیط کار چگونگی ایجاد تشکل به هر نام را بعهده خود کارگران در مراکز مختلف کاری محول نمی کنند؟ چرا خود را محق می بینند که بجای کارگران تصمیم بگیرند و برای آنها نسخه پیچی کنند. آیا هنوز کارگران را در آن حد ارزیابی نمی کنند که حتا در مورد ایجاد تشکلات محیط کار قادر باشند خود تصمیم بگیرند؟ لذا برای دوری گزیدن از این اختلاف نظر و به هدر دادن نیرو در این زمینه بهتر است این فعالین مشوق سازمانیابی کارگران باشند، ضرورت ایجاد تشکلات مستقل را در سطح وسیع تبلیغ و ترویج کنند، ضمن ارتباط با فعالین درون مراکز کاری زمینه ایجاد تشکلات را در بخشهای مختلف کارگری بوجود آورند.

تاکید برای تقدم حمایت های داخلی

این درست است که حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران نیروی فشاری خواهد بود بر مسئولین جمهوری اسلامی تا قوانین و مقوله نامه های بین المللی در مورد مسائل کارگری را برسمیت بشناسند و از سرکوب و ارباب کارگران دست بردارند. و تا زمانی که این رژیم هست و جنبش کارگری در سطح ملی قادر با ایجاد تشکل مورد نظر خود نشده که بتواند مستقیماً با نهادهای کارگری در سطح جهان ارتباط برقرار کند و خواسته ها و مشکلات کارگران را با آنها در میان گذارد، حمایت های بین المللی همچنان بایستی ادامه داشته باشد و این کوچکترین وظیفه ای است که فعالین جنبش کارگری در خارج از کشور بایستی به پیش ببرند. صدای کارگران را در سطح جهان بگوش طبقه کارگر برسانند و پشتیبانی آنها را از مبارزات کارگران ایران بدست آورند. اما همه ما متوجه این موضوع بوده و هستیم که اکثر نهادهای بین المللی کارگری در سطح جهان با توجه به سیاست دولتهای خود این

حمایت ها را به پیش می برند. بایستی این انتظار را داشته باشیم که ممکن است در مقطعی بنا بر ضرورت‌هایی بخشی از این نهادهای بین المللی یا اصولاً از حمایت کارگران ایران دست بکشند و یا در موارد خاص خیلی کم‌رنگ اعلام حمایت کنند.

لذا لازم است که فعالین کارگری تمامی توان و انرژی خود را صرف کسب حمایت کارگران از یکدیگر کنند. استراتژی فعالین جنبش کارگری در ارتباط با مبارزات کارگران تکیه بر حمایت‌های داخلی و عکس العمل سایر کارگران و دیگر اقشار درون جامعه از خواسته ها و مبارزات کارگران در ایران است. در تمامی زمینه ها چه پشتیبانی از مبارزات یکدیگرچه جمع آوری کمک‌های مالی برای کارگرانی که به خاطر ایجاد تشکلات کارگری از کار بیکار می شوند و به زندان فرستاده می شوند، جنبش کارگری بایستی بر خود تکیه کند. می بینیم که دولت در مواقعی به اجبار و بشکل دستوری یکروز از دستمزد کارگران را کسر و به عنوان کمک به لبنان و فلسطین و غیره اختصاص می دهد، آیا فعالین کارگری قادر نیستند با مراجعه به کارگران در مراکز مختلف کاری و محل سکونت دست به چنین اقدامی بزنند؟ قطعاً در چنین مواردی بسیاری از کارگران و سایر اقشار جامعه به این امر حیاتی جواب مثبت خواهند داد. کاری که فعالین شرکت واحد انجام دادند و در سطح علنی صندوق همیاری کارگری را اعلام کردند می تواند سرلوحه کار سایر کارگران در بخشهای مختلف کارگری قرار گیرد که این نوع فعالیت می تواند به یکی از هدفهای فعالین کارگری در خارج از محیط کار مبدل شده و برای آن برنامه ریزی کنند.

متکی بودن کارگران به هم و حمایت از مبارزات یکدیگر از مسائل پایه ای و بنیادین جنبش کارگری است که لازم است به سرلوحه فعالیت عملی فعالین جنبش کارگری تبدیل گردد.

لذا تا زمانی که کارگران متکی به قدرت یکپارچه و متحد خود نشوند، تا زمانی که حمایت های داخلی از حرکات اعتراضی و خواسته های کارگران بر حمایت های بین المللی افزونی نگیرد، نمی توان انتظار داشت که رژیم از سرکوب و تحت فشار قرار دادن فعالین کارگری دست بردارد و به دستاوردهای موجود جنبش کارگری هجوم نبرد.

با نگاهی به فعالیت عملی در حمایت از حرکت کارگران شرکت واحد متوجه می شویم که در این مورد ضعف اساسی وجود داشته است. در داخل کشور (بجز بخشی از دانشجویان) آنطور که شایسته بود از مبارزات کارگران واحد حمایت عملی چشم گیری صورت نپذیرفت. جمعهای فعال کارگری بیشتر حمایت خود را محدود به دادن اطلاعیه های پشتیبانی کردند. حتا دیدیم که گروهی در روز موعود برای لذت بردن از هوای کوهستانی طی اطلاعیه ای اعلام کردند که امروز در شهر نیستند. برای سرپوش گذاشتن بر پاسیفیسم مطلق خود طی مطالبی به حرکت کارگران واحد خرده گرفتند و چون این حرکت در محدوده تنگ نظری آنها پیش نرفته بود به تاضیف آن پرداختند. این جریان از یکسو مطالبات نجومی و غیر دسترسی مطرح می کند و از سوی دیگر چون هیچ تناسبی میان مطالبات با واقعیات و شرایط موجود نیست، دچار ذهنی گرایی افراطی شده و عملکرد دیگران را نیز محکوم به بیهودگی می کند. همچنین افراد دیگری که هیچ ربطی به جنبش کارگری ندارند، شرکت فعالین سندیکای واحد در سمینار سازمان جهانی کار را نادرست قلمداد کردند.

آنچه این جماعت از آن بی خبرند این است که فعالین شرکت واحد در حال تثبیت سندیکای خود هستند. دعوت مسئولین سازمان جهانی کار از این فعالین و آنهم به اسم سندیکا و دادن جواب مثبت به این دعوت از طرف هیات مدیره سندیکا دقیقاً در جهت تثبیت خود به عنوان یک تشکل مستقل کارگری در نزد نهادهای بین المللی است. آیا اگر در ماه ژوئن مسئولین سازمان جهانی کار از سندیکای واحد دعوت کند که به کنفرانس سالیانه این سازمان برود، آیا آنها نبایستی به این دعوت جواب مثبت بدهند؟ آیا بایستی اجازه دهند همچون ۲۵ سال گذشته سرکوبگران کارگران بعنوان نمایندگان کارگران ایران در چنین کنفرانسهایی شرکت کنند؟

نبایستی انتظار داشت که حرکات و عملکرد فعالین جنبش کارگری منطبق با ذهنیات ما پیش رود و آنجا که خارج از این نگرشهای غیر واقعی بود به آن خرده بگیریم و به تضعیف عملکرد اصولی فعالین کارگری بپردازیم. (*)

تطبیق تئوری بر عمل و نمود بیرونی آن منتج از واقعیات درون جنبش کارگری است. تئوری و نگرشی که بخواهد مکانیکی و به شکل دستوری خود را وارد عمل جنبش کارگری کند، آنگاه که با جواب مثبتی از درون روبرو نگردد بایستی به خود برگردد و اشکال را در طرح تئوری در این مقطع خاص مورد ارزیابی قرار دهد. نه آنکه بر عملکرد

فعالین کارگری بتازد و برای پیشبرد حرکت آنها از بیرون نسخه دلخواه خود را ارائه دهد و انتظار داشته باشد که بایستی چنین شود.

امید است فعالین جنبش کارگری با درک دقیق موقعیت کنونی و برنامه ریزی برای برون رفت کارگران از وضعیت اسفناک موجود ضمن ایجاد یک جبهه واحد کارگری، با نفی نگرش خود محور بینی و سکتاریستی، دست در دست هم برای رفع مشکلات امروز طبقه کارگر و در جهت به قدرت رساندن کارگران در تمامی سطوح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به یک برنامه عمل مشترک دست یافته و پرچم ظفر نمون اقتدار کارگران را بر کل جامعه به احتزاز در آورند.

به امید امروز.

یداله خسروشاهی

۱۹-۱۲-۲۰۰۶

توضیحات:

- ۱- در این مورد می توان به نشریاتی همچون: نگاه زنان، جنس دوم، کارمزد، اندیشه و جامعه، اشاره داشت.
- ۲- نامه اخیر ۷۱ نفر از فعالین و پشتیبانان جنبش کارگری به رئیس قوه قضائیه نمود ارزشمندی است که می توان امیدوار بود با گسترش چنین فعالیت ها ضمن طرح معضلات موجود جنبش کارگری در سطح سراسری، شروع فعالیت های گسترده تر و مشترک فعالین مختلف جنبش های اجتماعی درون جامعه در پشتیبانی و حمایت از کارگران را به دنبال داشته باشد.